

"محاكمه" کنندگان تسلیمه نسرين محكوم اند

آزادی بی مذهبی و نقد مذهب حق جهانشمول هر انسان دنیای امروز

فاتح شیخ الاسلامی

این روزها شخصی به نام شاه علم، قاضی دادگاه شهر گمنامی در بنگلادش بر اساس شکایت آخوند مکتب داری به نام دبیرالدین، تسلیمه نسرين را به "جرم" اهانت به اسلام و "جریحه دار" کردن احساسات دینی "مردم" غیابا به زندان محكوم کرده است. تسلیمه نسرين در اروپاست. دولت و جریانات اسلامی چند سال پیش او را مجبور به فرار از بنگلادش کردند. "مقامات قضائی" بنگلادش گفته اند که تسلیمه اگر فرجام بخواهد باید برگردد و خود را تسلیم آن مقامات کند! همه اجزاء این خبر نفرت انگیز و مسخره است. او مجرم نیست، دولت و نهادها و جریانات اسلامی سرکوب کننده او مجرم اند. قاضی شاه علم و آخوند دبیرالدین مجرم اند. او یک فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی است. جامعه بشری، بشریت متمدن باید محاکمه کنندگان را محكوم کند. او جرمی ندارد جز اینکه علیه جرائمی برخاسته که در بنگلادش اسلامزده و کشورهای مشابه، هر روز میلیونها و صدها میلیون بار علیه نیمه (بیشتر) جامعه یعنی زنان و علیه همه کودکان اعمال میشود. برای ایجاد کوچکترین بهبود در زندگی اکثریت عظیم مردم آن بخش جهان که احکام خونین اسلام هنوز در آن جاری است، تسلیمه نسرين و امثال او چاره ای ندارند جز اینکه به ساحت اسلام تعرض کنند و البته احساسات امثال قاضی شاه علم و آخوند دبیرالدین را هم جریحه دار کنند. این یک جزء ضروری هر مبارزه رادیکال است.

جرم تسلیمه اینست که تسلیم سرنوشتی نشد که با گذاشتن این اسم اسلامی بر او، خواسته بودند بعنوان یک دختر برایش رقم بزنند. او سرنوشت خود را عوض کرد، تسلیم اسلام نشد، بلکه وقتی بعنوان یک انسان دنیای امروز، اسلام را در برابر خود دید، از آن برید و خود را آزاد کرد. فراتر از آن، بعنوان یک انسان آزادیخواه و مدافع حقوق زن جسورانه به اسلام حمله کرد، به نقد آن برخاست و به یکی از سخنگویان بخش مدرن جامعه بدل شد، جامعه ای که در آن هنوز ارتجاع اسلامی فعال است و هنوز دست اسلام از دولت و دادگاه و از زندگی مردم کوتاه نشده است. سال ۱۹۹۴ وقتی یک خبرنگار تلویزیون بی بی سی در بنگلادش از او پرسید: آیا تو به اسلام حمله میکنی؟ تسلیمه نسرين در جواب گفت: بله مستقیماً. بله، جرم او همین جسارت مدنی و آزادیخواهانه در برابر اسلام است.

اگر تسلیمه نسرين طی هفت هشت سال اخیر در سطح جهان مشهور شده است بخاطر اینست که یک انسان آزادیخواه، یک مدافع حقوق زن در آن جامعه اسلام زده است. حرفه اش پزشکی، ابزار مبارزه اش نوشتن، او علیه سرکوب شنیع، تحقیر دائم و مشقات خارج از شماری که روزمره بر زنان محیط زندگی اش تحمیل میشود، بپا خاست و جسورانه علیه اسلام و قرآن و احکام و قوانین و سنن و شریعت حاکم بر جامعه

ایستاد. اما او بیشتر از یک پزشک و یک نویسنده است. جهان متمدن در دفاع از سلمان رشدی، در دفاع از آزادی بیان و حق حیات او در مقابل تهدیدات و تعرضات اسلامی هرچه کرد باز هم کم کرد. کوتاهی کرد. بسیار بیشتر و قاطعانه تر از آن ضرورت داشت و دارد. اما کیس تسلیمه نسرين حتى با سلمان رشدی فرق دارد. دفاع از تسلیمه نسرين فقط دفاع از آزادی بیان و حق حیات یک نویسنده نیست. او بیشتر از یک نویسنده مستقیماً یک مبارز رهایی زن، رهایی جامعه از کثافات قرون و اعصار مذهب، رهایی از اسلام بعنوان یک کانون عفونی مذهب فعال در دوران ما و در بخش مهمی از جهان است.

در دفاع از تسلیمه نسرين، سلمان رشدی و هر مورد مشابه، باید روشن و قاطع از آزادی بی مذهبی و از آزادی نقد مذهب، بعنوان حقوق جهانشمول هر انسان در هر جای دنیا که باشد دفاع کرد. هم اکنون در پاکستان پزشک دیگری به نام یونس شیخ محکوم به مرگ، در زندان و در خطر اعدام است به این "جرم" که گویا در مقابل این حکم که از نظر اسلام کسی که مسلمان نیست نجس است، به طنز گفته است: محمد هم تا چهل سالگی مسلمان نبود (توجه کنید که ۵۴ سال پیش هنگامی که در جریان استقلال هند، سرنوشت بخش های مسلمان نشین آن توسط جریان اسلامی محمدعلی جناح از بقیه شبه قاره هند جدا شد نام کشور "پاکستان" صراحتاً به همین معنی که مسلمانان پاک و غیرمسلمانان نجس هستند انتخاب شد!). آزادیخواه دیگری در مصر به نام صلاح الدین محسن به "جرم" اینکه اسلام را عامل عقب ماندگی جامعه معرفی کرده است به سه سال زندان با کار محکوم شده است و هم اکنون در زندان بسر میبرد.

بدون آزادی بی مذهبی، بدون آزادی نقد مذهب، بدون آزادی کفرگویی، بدون اینکه بشر مجاز باشد هرچه بخواهد بگوید، بنویسد، به نمایش هنری در آورد و هیچ مقدسات مذهبی و ملی و غیره ای مانع آزادی بیان و اندیشه و نقدش نشود، نمیتوان گفت که بشریت از قرون وسطی بریده است. این تناقض که در بخش های پیشرفته تر جهان در اروپا و غرب، چنین آزادیهایی از دهها سال پیش تثبیت شده اند ولی در جهان تحت سلطه اسلام هنوز بخاطر گفتن یک جمله ضدمذهبی، ارتجاع اسلامی و دولتها جان انسانها را میگیرند یا دست کم به روال دوران انکیزیسیون آنها را به زندان می اندازند، فقط اثبات این حکم است که بشریت آزادیخواه باید برای کوتاه کردن مذهب از زندگی مردم بطور عاجل و ریشه ای و گسترده و همه جانبه وارد مصاف شود. این ننگ توحش باید هرچه زودتر در سراسر کره زمین از چهره بشریت متمدن زدوده شود. آزادی بی مذهبی و آزادی نقد مذهب در کنار آزادی داشتن هر نوع عقیده مذهبی و غیرمذهبی جزء حقوق جهانشمول انسان در سراسر جهان است. اینست پیام مدافعان رادیکال تسلیمه نسرين ها، یونس شیخ ها، صلاح الدین محسن ها و میلیونها انسانی که میخواهند از زنجیر اسلام، از بردگی و انقیاد فکری، روحی و جسمی مذهب رها شوند.